

## «مشکل آفرینی ناشی از کاربرد توأم

ضمایر هم آوا و همشکل SIE

در زبان آلمانی»

بهنام خان خلیلی

فرض کنیم پیام  $HABEN\ SIE\ SIE\ GEFUNDEN?$  را که جمله‌ای پرسشی است، شفاها "یا کتبا" دریافت کرده‌ایم. وقتی یک فارسی زبان آشنا به زبان آلمانی عبارت یاد شده را بشنود یا آن را به صورت مکتوب از طریق تلگرام یا تلکس - که حروف کوچک و بزرگ لاتین در متن آنها در اکثر موارد قابل تمیز نیست - بخواند، بر حسب اینکه در جمله  $HABEN\ SIE^1\ SIE^2\ GEFUNDEN$ : برای نخستین ضمیر ( $SIE^1$ ) نقش دوم شخص محترمانه، اعم از مفرد یا جمع، قائل شود یا ضمیر مزبور را ضمیر سوم شخص جمع تلقی کند، و یا برای دومین ضمیر ( $SIE^2$ ) نقش سوم شخص مفرد مؤنث یا سوم شخص جمع در نظر بگیرد یا آن را ضمیر مفعولی دوم شخص جمع، که مخاطب آن می‌تواند هم مفرد و هم جمع باشد، محسوب کند؛ می‌تواند جمله فوق را به بیست صورت، با معانی متفاوت، به فارسی ترجمه کند (به جدول مربوط در پایان همین مقاله

مراجعه شود).

البته این چند معنایی وقتی پیش می آید که در نقشها و معانی ثانوی ضمایر مورد بحث (بالأخص در تداول عامیانه و گفتار خودمانی) دگرگونی پدید آورد.

بہتر است، ابتدا با «ضمیر» بیشتر آشنا شویم. در بیشتر کتابهایی که تحت عنوان دستور زبان فارسی برای غیر متخصصان یا داوطلبان ورود به دانشگاه انتشار می یابد، در تعریف ضمیر عباراتی نظیر جملات زیر به چشم می خورد:

«ضمیر برای احتراز از بازگفتن اسم در گفتار و نوشتار به کار می رود»، «در جای اسم می نشیند که در آن صورت، اسم را مرجع می خوانند»، «یا پیوسته است یا جدا»، «یا فاعلی است یا مفعولی». در کتب مذکور، حتی عباراتی نظیر «ضمیر برزیبایی کلام می افزاید» نیز دیده می شود، غافل از اینکه عباراتی از نوع عبارت فوق در آلمانی، که دارای دو ضمیر هم آوا و هم شکل است، در ترجمه از زبانی به زبان دیگر مترجم را با چند معنایی دست به گریبان می سازد.

در اینجا، پیش از بحث در باب مقولۀ یاد شده، یاد آور می شود که در زبان فارسی ضمایرش گانه (مفرد: من، تو، او، جمع: ما، شما، ایشان) در واقع تعدادشان، با توجه به کاربردهای ویژه و معنایی جنبی که توسعاً حاصل می شود، از شش نوع یاد شده بیشتر است برای نمونه هر یک از ضمایر جمع «ما»، «شما» و «ایشان» (= «ایشون» در تداول عامیانه)، وقتی در گفتار مؤدبانه استعمال شوند، غالباً ارزش کاربردی مفرد را دارند. استعمال «ما» به جای «من» نشانهٔ فروتنی و حجب گوینده است و استفاده از «شما» به جای «تو» و یا «ایشان» (= «ایشون») به جای «او» نیز وقتی صورت می گیرد که گوینده بخواهد به گفتارش لحنی مؤدبانه ببخشد. معمولاً در کتب دستور زبان فارسی ضمایر شخصی (منفصل) دارای شش صورت هستند که ما آنها را با افزودن بعضی از صورتهای

محویره ای و ادبی نقل می کنیم:



مفرد: من تو او، وی، آن

جمع: ما و ماها («ما» + پسوند جمع «ها»)

شما و شماها («شما» + پسوند جمع «ها»)

ایشان و آنها («ایشون» و «اونان» در زبان محاوره)

در زبان محاوره و غیررسمی «ماها» و «شماها» هنگامی به کار می‌روند که گوینده بخواهد «جمع بودن» ضمیر را مطرح سازد. ضمیر سوم شخص مفرد «وی» معمولاً فقط در زبان ادبی به کار می‌رود. «او» و «وی» کاربردشان فقط هنگامی است که سخن از یک نفر در میان باشد. وقتی گفتگو دربارهٔ شیئی باشد، همواره «آن» (=اون در زبان محاوره) به کار می‌رود، که ضمیر اخیر در اصل ضمیر اشاره است. در تداول عام کلمهٔ «اون» در گفتگو از شخص نیز به کار می‌رود.

در فارسی محاوره‌ای تهرانی ممکن است ضمایر دوم شخص و سوم شخص جمع با صیغه‌های فعلی دوم شخص مفرد نیز به کار رود. مانند:

«شما امروز به دانشگاه رفتی؟ شما که هنوز غذا نخوردی!» و «ایشون خودش گفت. ایشون این مطالب را تکذیب کرد.»

در زبان محاوره، گاهی از واژه «یارو» و همچنین «طرف» به منزله نوعی ضمیر سوم شخص استفاده می‌شود. در هر صورت ضمایر شخصی یا کلمات جایگزین آنها می‌توانند در جمله همان نقشهایی را بر عهده گیرند که اسم می‌تواند ایفا کند. مثلاً «وقتی حرف اضافهٔ «را» به دنبالشان بیاید حالت مفعول صریح را پیدا می‌کنند. همچنین حروف اضافه نیز می‌توانند پیش از آنها بیایند و حالات مختلف اسمی را به وجود آورند.

به منظور درک بهتر «چند معنایی»، که در بالا بدان اشاره شد لازم است با ضمایر زبان منبع نیز آشنایی به عمل آید. ابتدا یادآور می‌شود که در زبانهای باستانی،



بویژه زبان لاتینی که بیش از بقیه دارای شواهد و مدارک است، فعل اساساً نیاز مبرمی به ضمیر شخصی ندارد. و بالأخص در مورد زبان یادشده، ضمیر شخصی از لحاظ آگاهی و اطلاع رسانی چیزی زائد است و وقتی همراه با فعل به کار رود، صرفاً جنبه تأکیدی آن مطرح است. اما یکی از مسائلی که در این بحث مورد نظر است، علل تبدیل ضمائر به یکدیگر یا هم آوا و هم شکل شدن آنها در زبانهای اروپائی است که برای تشریح آن علل ناگزیریم به وضعیت و مناسبات بین ضمائر چند زبان غربی گریزی بزنیم.

انگلیسی تنها زبان معتبری است که در آن، به هنگام کتابت، ضمیر اول شخص مفرد در حالت فاعلی با حرف بزرگ نشان داده می شود. با توجه به اینکه در بسیاری از زبانها از جمله آلمانی حرف اول ضمیر دوم شخص (مفرد یا جمع) در نوشته مؤدبانه با حرف بزرگ نشان داده می شود، همچنین بزرگ نویسی حرف اول ضمیر دوم شخص مخاطب (اعم از Ihr یا Sie یا Du) دست کم هنگام نامه نگاری حتماً رعایت می شود. این نکته، به درست یا نادرست، به مثابه نشانه‌ای از خودپسندی بیش از حد متکلمان انگلیسی زبان تعبیر و تفسیر شده است. همچنین با توجه به اینکه در چند زبان دیگر از جمله زبانهای سیامی، مجار و نیز در فارسی خودمان از واژه های «بنده» و «غلام» به جای ضمیر اول شخص مفرد (= من) استفاده می شود. اصطلاح انگلیسی: Your humble servant زیاد هم مبالغه آمیز نیست.

در بسیاری از زبانهای اروپائی حداقل دو صورت برای ضمیر دوم شخص جمع وجود دارد یکی خودمانی و دیگری مؤدبانه. اغلب صورت جمع کلمات به مشابه صورت مفرد مؤدبانه به کار می رود: در زبان انگلیسی به کار رفتن کلمات You و ye، که در اصل صورتهای جمع حالتهای فاعلی و غیر فاعلی (oblique) بوده‌اند، به جای صورتهای مفرد Thou و Thee سبب شده که صورتهای اخیر منسوخ شوند.



پیدایی صورت جمع به جای صورت مفرد مؤدبانه، تاریخچه جالبی دارد. دو نظریه برجسته در ارتباط با این موضوع به شرح زیر وجود دارد:

نظریه نخست، با اهمیتی کمتر، ناظر بر این نکته است که کاربرد You (= شما) به جای Thou (= تو) به تقلید از شیوه متداول بین کاتبان و منشیان در استعمال We (= ما) را به جای I (= من) که در دنیای قدیم صورت گرفته است استعمال می کردند. ضمیر We اساساً صورت جمعی است که کاربرد مفرد آن برای تواضع و فروتنی است، حال آنکه استعمال You به جای Thou نوعی صورت جمع احترام آمیز بوده است و مشکل می توان دریافت که چگونه یکی از آنها توانسته از بطن دیگری به وجود آید. دومین نظریه حاکی از آن است که استعمال مؤدبانه ضمیر دوم شخص جمع «شما» به جای «تو» در واپسین روزهای امپراتوری روم رواج یافته و سبب تداول و رواج آن هم این بوده است که در آن روزگار، روم دو امپراتور داشت که یکی در روم و دیگری در قسطنطنیه حکمرانی می کرد. اشخاصی که مخاطبشان یکی از آن دو امپراتور بود برای وی از صورت معادل «شما» استفاده می کردند. چنین کاربردی مبتنی بر این نظر بود که آنان جامعیت مقام امپراتور را مورد خطاب قرار می دادند. بعدها، پس از سقوط امپراتوری روم، که رؤسای قبایل «بربر» خواستار احراز افتخارات امپراتوری برای خود شدند، یکی از آن افتخارات حفظ شأن حکمران با ادای ضمیر جمع به هنگام مخاطب قرار دادن وی بود. رواج این شیوه خطاب تا بدانجا رسید که هر مستخدم جزء نیز خواستار صورت خطاب افتخار آمیز برای خود شد و در نتیجه استفاده مکرر از آن، این صورت خطابی بار معنایی خود را از دست داد. این امر سبب شد که تدابیر جدیدی اتخاذ گردد تا صورت خطابی یاد شده فقط در مورد کسانی به کار گرفته شود که گوینده واقعاً خواهان ابراز احترام به آنهاست. برای نمونه، در اسپانیایی اصطلاح *Vuestra merced* ابتدا به معنی «عالیجناب» متداول شد، اما بعد مخفف گشت و به شکل *Usted* (= ضمیر «شما») درآمد.

در این مورد، منطق دستور زبان اسپانیایی ایجاب می کند که صیغه فعلی مربوط به آن به صورت سوم شخص مفرد آورده شود و نه به صورت دوم شخص. بنابراین، همان طور که در زبان انگلیسی هنوز عبارت «عالیجناب اشتباه می کند» (Your honour is mistaken) به رئیس دادگاه، اطلاق می گردد، در اسپانیایی نیز ضمیر Usted با صیغه فعلی سوم شخص مفرد آورده می شود. در این زمینه ایتالیاییها پا را فراتر از اسپانیاییها گذارده اند. در زبان ایتالیایی، تحول صوری صورتهایی نظیر Vostra Signoria (سیادت عظمی) و Vostra Eccellenza (حضرت والا)، تا بدان جا ادامه یافت که ضمیری کوتاه جانشین آنها شد. لیکن از آنجا که «سیادت و الاحضرتی» در زبان ایتالیایی اسامی مؤنث هستند، ضمیر کوتاه Lei (= سوم شخص مفرد مؤنث) جای آنها را گرفت و رواج یافت. همچنین عبارت «Lei scrive»، یعنی صورت «او»-یی که حرف اولش مؤدبانه (بزرگ) به کار می رود، به طور تحت اللفظی «او می نویسد» معنی می دهد، لیکن مفهوم «شما می نویسید» را افاده می کند. حکومت فاشیست ایتالیا، طی سالهایی که در آن کشور حاکم بود، کوشید تا کاربرد «او» ی مؤنث را از اذهان محو نماید و به جای آن استعمال ضمیر دوم شخص سابق را متداول سازد، اما توفیقی نیافت؛ و با وجود اینکه در مکاتبات اداری و حتی خصوصی از کلمه «شما» استفاده می شد لیکن کاربرد «او» ی مؤنث کماکان در محاوره ادامه یافت.

زبانهای پرتغالی و لهستانی به جای کاربرد «شما» ی مؤدبانه، شیوه دیگری اتخاذ کرده اند که یاد آور شیوه رایج در گرد همایی و اجتماعات است؛ در این دو زبان به جای گفتن «شما» ی مؤدبانه از واژه های معادل «آقا» و «خانم» استفاده می شود. در آلمانی نیز موردی مشابه وجود دارد، مثلاً در عبارت: Was wollen der Herr? کلمات der Herr به جای شما «Sie» به کار رفته است.

زبان فرانسوی که ضمیر «شما» ی ساده را برای مقاصد مؤدبانه به کار می گیرد، دارای



فعل مخصوص tutoyer به معنی «خطاب (تو) به کسی» نیز هست که البته این ضمیر در محاورات خودمانی به کار می رود و نه در مکالمات مؤدبانه و رسمی. در اوان انقلاب کبیر فرانسه، گرایش ناموفق در راستای تعمیم و تداول فعل tutoyer پیدا نشده بود که استقبال «روبسپیر»، شخصیت انقلابی معروف را در پی نداشت. وی طرفدار تعمیم «شما» بود.

پیدایش عبارات قالبی ویژه ادای احترام به مخاطب، در مواردی خاص برای زبانهای معاصر، مشکلاتی اضافی به بار آورده است. در زبان آلمانی از زمانی که ضمیر سوم شخص مفرد مؤنث Sie (که صورتهای آلمانی باستانی آن Siu, Si است) و ضمیر سوم شخص جمع Sie (که صورتهای آلمانی باستان آن Sie, Sio, Siu است)، از نظر نوشتار، کیفیت آوایی یکسان یافتند، نوعی نارسایی معنایی به وجود آمده است. در حال حاضر، ضمیر سوم شخص جمع هنوز نیز هنگام مخاطب سازی مؤدبانه به جای دوم شخص مفرد و جمع هر دو به کار می رود (تنها فرق نوشتاری آن در این است که در مورد دوم شخص مخاطب، حرف اول ضمیر بزرگ نوشته می شود). همچنین امر یاد شده در محاورات آلمانی نارسایی محسوسی را به دنبال داشته است. به همین دلیل، جمله پرسشی HABEN SIE SIE GEFUNDEN? وقتی شفاهاً اظهار شود، متضمن مفاهیم و معانی مختلفی است که برای بیان آنها در زبان انگلیسی از هشت جمله و در زبان فرانسوی از هفده جمله استفاده می شود.

در مقام مقایسه زبانهای مزبور با زبان فارسی، در جدول زیر امکانات جمله سازیهای مختلف با ضمایر فارسی توأم با استعمال علامت حالت مفعولی Accusative (= را) آورده شده است:

### چاره‌کار

به منظور رفع ابهام یا پیشگیری از ایجاد آن، از آنجایی که اطلاعات حاصل از وضعیت و همبافت به شرح بالا ناکافی است، ناگزیر باید به دیگر سیاق سخن‌گريز بزنيم و به جای نمایه ضمیری<sup>۱</sup> از نمایه اسمی<sup>۲</sup> مدد جوئيم. برای مثال به چند نمونه زیر توجه شود:

HABEN SIE DIE SCHÜLER GEFUNDEN?

ایشان شاگردان را پیدا کردند؟

HABEN DIE LEHRER DIE SCHÜLER GEFUNDEN?

معلمان شاگردان را پیدا کردند؟

HABEN DIE SCHÜLER SIE GEFUNDEN?

شاگردان ایشان را پیدا کردند؟

HABEN SIE , HERR WACHTMEISTER, DIE SCHÜLER GEFUNDEN?

سرکار پاسبان، شاگردان را پیدا کردید؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





صدف زاهد

زبان‌شناسی

شماره مسلسل ۱۷

|    | توأم ضمایر در جمله      | ضمایر در جمله | ضمایر در جملات مختلفه | ضمایر در جملات مختلفه | ضمایر در جملات مختلفه | ضمایر در جملات مختلفه | ضمایر در جملات مختلفه | ضمایر در جملات مختلفه | ضمایر در جملات مختلفه | ضمایر در جملات مختلفه | ملاحظات                    |
|----|-------------------------|---------------|-----------------------|-----------------------|-----------------------|-----------------------|-----------------------|-----------------------|-----------------------|-----------------------|----------------------------|
| ۱  | توأم ضمایر در جمله      | ضمایر در جمله | ضمایر در جملات مختلفه | ضمایر در جملات مختلفه | ضمایر در جملات مختلفه | ضمایر در جملات مختلفه | ضمایر در جملات مختلفه | ضمایر در جملات مختلفه | ضمایر در جملات مختلفه | ضمایر در جملات مختلفه | ملاحظات                    |
| ۲  | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | شما او را پیدا کردید؟      |
| ۳  | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | شما آن را پیدا کردید؟      |
| ۴  | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | شماها او را پیدا کردید؟    |
| ۵  | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | شماها آن را پیدا کردید؟    |
| ۶  | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | شما ایشان را پیدا کردید؟   |
| ۷  | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | شما آنها را پیدا کردید؟    |
| ۸  | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | شماها ایشان را پیدا کردید؟ |
| ۹  | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | شماها آنها را پیدا کردید؟  |
| ۱۰ | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | ایشان او را پیدا کردند؟    |
| ۱۱ | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | ایشان آن را پیدا کردند؟    |
| ۱۲ | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | آنها او را پیدا کردند؟     |
| ۱۳ | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | آنها آن را پیدا کردند؟     |
| ۱۴ | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | ایشان ایشان را پیدا کردند؟ |
| ۱۵ | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | ایشان آنها را پیدا کردند؟  |
| ۱۶ | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | آنها ایشان را پیدا کردند؟  |
| ۱۷ | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | ایشان شما را پیدا کردند؟   |
| ۱۸ | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | آنها شما را پیدا کردند؟    |
| ۱۹ | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | ایشان شماها را پیدا کردند؟ |
| ۲۰ | Haben Sie sie gefunden? | +             | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | +                     | آنها شماها را پیدا کردند؟  |

مآخذ:

الف ( فارسی ):

ایزد پرست، نورالله. ۱۳۵۹. دستور زبان سعدی، تهران: دانش.

همایون، همادخت. ۱۳۷۱. واژه نامه زبانشناسی و علوم وابسته، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ب ( انگلیسی ):

Lazard , Gilbert.1957.*Grammaire du Persan Contemporain.*

Paris: Librairie C.Klincksieck.

Nash , Rose.1968.*Multilingual Lexicon of Linguistics and Philology.* Coral Gables:University of Miami Press.

Pei , Mario.1965.*The story of Language.* Philadelphia: J. B Lippincott Company.

Wandruszka,Mario.1745. *Sprachen Vergleichber Und Unvergleichlich.* München:R.Piper & Co.Verlag.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی